

مهمان ناخوانده

نوشته جن.م.متسون

-

شخصیتها	ابزار صحنه	قطعات دکور	جلوه های صوتی
خرگوش	ترکه	خانه آفریقایی	ریتم های مختلف طبل
قورباغه			
شغال			
شیر			
فیل			
هزارپا			
صدای راوی			

این نمایش، داستان فولکوریک ساده ای از قبیله آفریقایی ماسای است. نمایش، یک صحنه با دو چیدمان دارد و برای دو عروسک گردان نوشته شده است.

صحنه اول: جنگلی در آفریقا. در سمت چپ صحنه خانه ای آفریقایی قرار دارد که از ترکه ساخته شده و سقف آن کاه گلی است. یک پارچه آویخته، بر در خانه است. در سمت راست صحنه، چند درخت و یک صخره قرار دارد.

موسیقی آغازین با طبل آفریقایی

(خرگوش وارد شده و مشغول بستن ترکه های اطراف خانه می شود. همه زوایای خانه را چک کرده و در پارچه ای را هم مرتب می کند).

صدای راوی: (در حین فعالیت خرگوش) روزی روزگاری در جنگلهای آفریقا، خرگوشی زندگی می کرد که می خواست برای خودش خونه بسازه. خرگوش مدتها به شدت کار کرد تا بالاخره خونه اش تموم شد. (خرگوش دستهایش را می تکاند. قورباغه از سمت راست صحنه وارد می شود).

خرگوش: وای، این خونه چقدر کار بُرد!

قورباغه: آره، خیلی کار برد. خرگوش، چرا این قدر خودتو خسته می کنی؟

خرگوش: ببین قورباغه، بعضی از ما به شدت کار می کنیم و همونهایی هستیم که به نتیجه می رسیم. (با لحن بی ادبانه) بعضی دیگه مون هم تنبل هستن و ترجیح میدن که تمام روز روی برگ نیلوفرهای آبی بشینن. خوب دیگه، کار زیاد گرسنه ام کرده. میرم نهار پیدا کنم. (از سمت چپ صحنه خارج می شود).

قورباغه: این خرگوش گاهی چه موجود زمختی میشه! آخه چرا من باید خونه بسازم؟ نیلوفر دریایی بهترین جا برای سکونت به قورباغه است. (روی صخره سمت راست صحنه می پرد و همانجا می نشیند. در همین هنگام، قورباغه هزار پا را می بیند که از سمت راست صحنه وارد می شود و آرام آرام به سمت خانه خرگوش می رود. داخل خانه را نگاه کرده و سپس به اطراف نگاه می کند که مطمئن شود کسی او را ندیده است، سرش را تکان می دهد و وارد خانه می شود).

خرگوش: (از سمت چپ وارد صحنه می شود) خوب حالا حالم بهتره. (به جای پاهای نگاه می کند) هی، صبر کن ببینم، این شیارها این جا چی کار می کنن؟ این مسیر که مستقیماً میره توی خونه من! (با هیجان) احتمالاً به موجود وحشتناک و عظیم تو خونه منه. آهای! کی تو خونه منه؟

هزار پا: (از درون خانه می غرد، به طوری که پرده می لرزد) من گول جنگلم. کرگدن رو زیر پام له می کنم و فیل رو با یه ضربه با خاک یکسان می کنم.

خرگوش: اونجا چی کار داری؟

هزار پا: میخوام اینجا زندگی کنم.

خرگوش: نباید این کارو بکنی. خونه ات رو اشتباه اومدی. اونجا خونه منه.

هزارپا: برو تا مثل یه بادوم زمینی لهت نکردم.

خرگوش: مثل اینکه خیلی جدی حرف می زنه. حالا چیکار کنم؟

قورباغه: (به سمت خرگوش می پرد) شاید من بتونم کمک کنم.

خرگوش: آخه یه موجود کوچیک مثل تو چی کار می تونه بکنه؟ تازه آخرین باری هم که به حرف تو گوش کردم، افتادم تو آب.

قورباغه: باشه، هر جور میلته.

خرگوش: بله، این طور میلمه. (قورباغه دوباره روی صخره می پرد و خرگوش به سمت جلو و عقب راه می رود). چه جوری می تونم این لعنتی رو از خونه ام بیارم بیرون؟ (عصبانی) من خونه ام رو میخوام! (شغال از سمت راست صحنه وارد می شود)، هی شغال! تو شاید بتونی به من کمک کنی. یه موجود عجیب و وحشتناکی تو خونه منه و بیرون نمیداد.

شغال: کسی رفته تو خونه جدید تو؟

خرگوش: آره، و میگه میخواد همون جا زندگی کنه. یه نگاه به این رد پاهای بزرگ بنداز! (شغال نگاه می کند) ببین، میدونم شما شغاله چقدر باهوشین. لطفاً کمک کن بیارمش بیرون.

شغال: بسیار خوب (با صدای بلند) آهای، هر کی هستی، از خونه خرگوش بیا بیرون!

هزارپا: من گول جنگلم. کرگدن رو زیر پام له می کنم و فیل رو با یه ضربه با خاک یکسان می کنم. حالا هم برو تا مثل یه بادوم زمینی لهت نکردم.

شغال: به نظر کاملاً وحشی میاد.

خرگوش: حالا چی کار کنم؟ چی کار کنم؟

شغال: من میدونم. الان اینجا چوب جمع می کنیم و آتیش درست می کنیم تا مجبور شه بیاد بیرون.

خرگوش: آتیش درست کنیم؟ این جوری که خونه من هم می سوزه!

شغال: مگه نمی خوای از دستش خلاص شی؟

خرگوش: (غمگین) چه فایده اگه خونه ام بسوزه؟

شغال: خوب، هر جور میلته. (شغال از سمت چپ صحنه خارج می شود).

خرگوش: عجب کمک بزرگی کرد! خونه قشنگم رو آتیش بزنی! (شیر از سمت چپ صحنه وارد می شود) اوه، شیر، تو سلطان جنگلی. تو میتونی به من کمک کنی.

شیر: کمکت کنم که چی کار کنی خرگوش؟

خرگوش: به موجود وحشتناکی رفته توی خونه جدید من. کمک کن بیارمش بیرون.

شیر: چرا که نه. (با صدای بلند) کی تو خونه خرگوشه؟

هزار پا: من غول جنگلم. کرگدن رو زیر پام له می کنم و فیل رو با یه ضربه با خاک یکسان می کنم.

شیر: سلطان جنگل با تو صحبت می کنه. همین الان خونه خرگوش رو ترک کن.

هزار پا: برو تا مثل یه بادوم زمینی لهت نکردم.

شیر: نمی تونی. تو صورتت پنجه می کشم و تیکه تیکه ات می کنم. (می غرد)

هزار پا: بیا تو ببینم.

خرگوش: (وقتی می بیند که شیر از جایش تکان نمی خورد) خوب؟؟

شیر: تو که توقع نداری من برم تو اون خونه که یه موجود وحشتناک توشه. خودت میتونی بیاریش بیرون، خرگوش. (از سمت راست صحنه خارج می شود).

خرگوش: وای، اگه سلطان جنگل نمی تونه به من کمک کنه، پس کی می تونه؟

فیل: (از سمت راست صحنه وارد می شود). سلام خرگوش! هنوز ساخت خونه ات تموم نشده؟

خرگوش: چرا فیل، تموم شده. ولی الان خونه من به وسیله یه موجود ترسناک اشغال شده که بیرون نمیاد. تو بزرگترین حیوان جنگلی. کمک کنی؟

فیل: فکر کنم بتونم وادارش کنم بیاد بیرون. (با صدای بلند)، آهای، کسی که تو خونه خرگوشی!

هزار پا: من غول جنگلم. کرگدن رو زیر پام له می کنم و فیل رو با یه ضربه با خاک یکسان می کنم.

فیل: معلوم میشه! از خونه خرگوش بیا بیرون!

هزار پا: اگه نری مثل یه بادوم زمینی لهت می کنم.

فیل: عجب. من خودم له کردن رو بلدم. (به سمت خانه خرگوش حرکت می کند). الان نشونت میدم.

خرگوش: نه، نه. خونه منو له نکن.

فیل: میتونی یکی دیگه بسازی!

خرگوش: تو نمی دونی من چقدر برای ساختن این خونه زحمت کشیدم. نمی خوام خراب بشه.

فیل: پس خودت فکر یه چاره باش. نگو من نخواستم کمک کنم. (از سمت چپ صحنه خارج می شود).

خرگوش: وای، حالا باید چی کار کنم؟ خونه کوچولوی عزیزم...

قورباغه: (به سمت خرگوش می پرد) خرگوش!

خرگوش: (به تندی) چی می خوای قورباغه؟ مگه نمی بینی حوصله ندارم؟

قورباغه: من واقعاً فکر می کنم میتونم کمکت کنم.

خرگوش: آخه یه قورباغه چی کار می تونه بکنه که یه شیر نمی تونه؟ ها؟ها؟ حرف های احمقانه نزن.

قورباغه: خیلی خب. میخوای یه تلاشی بکنم؟

خرگوش: باشه. چیزی که از دست نمیدم. (با شیون) به جز خونه ام!

قورباغه: (به سمت خانه می پرد) حالا نگاه کن. آهای، گول جنگل!

هزار پا: من کرگدن رو زیر پام له می کنم و فیل رو با یه ضربه با خاک یکسان می کنم. برو تا مثل یه بادوم زمینی لهت نکردم.

قورباغه: فکر نکنم بتونی. من گول سبز هستم. از اون گول هایی که می پرن و فور فور می کنن. من پشه های گنده رو قورت می دم، تو رو هم می خورم. من اومدم!

هزار پا: نه،نه،نه، منو نخور. میام بیرون (از خانه بیرون می آید). من فقط یه هزار پا هستم، می بینی که. من با تو کاری ندارم. فقط داشتم شوخی می کردم.

قورباغه: منم داشتم شوخی می کردم، من هرگز هزارپا نمی خورم.

خرگوش: هزار پا؟! توکه چیزی رو نمی تونی له کنی.

هزارپا: شوخی خوبی بود، مگه نه؟ (به آرامی می رود)

خرگوش: (همان طور که رفتن او را تماشا می کند) ای خزنده پلید! من چه احمقم. (رو به قورباغه) از کجا فهمیدی که اون یه هزارپاست؟

قورباغه: نشستن روی برگ نیلوفر هر کسی رو عاقل می کنه. گاهی امتحان کن.

(قورباغه به سمت راست صحنه می پرد. خرگوش رفتن او را تماشا می کند، فکر می کند، دوباره به او نگاه می کند. سپس سرش را تکان می دهد، شانه هایش را بالا می اندازد و وارد خانه اش می شود).

موسیقی پایانی

نکات تولیدی:

در این نمایش هیچ مشکل تولیدی ویژه ای وجود ندارد. با وجود این باید یادآوری کرد که استفاده از جلوه های صوتی خلاق و ریتم های مختلف برای حیوانات گوناگون، شخصیت آنها را بهتر نشان می دهد.

